



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه⁺ سیاست و وزارت امور اقتصادی و دارایی

اقتصاد و بانوان



اقتصاد و بانوان

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر طاهرا رمضان
در رویداد ملی هجرت ۳؛ خانه سلیمانی می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: اقتصاد و بانوان

سخنران: دکتر طاهرا رمضان

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: نقش زنان، اقتصاد مقاومتی، اشتغال، خلق ارزش، الگوی مصرف

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۰۴۱۶۲۸

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

۱.....	مقدمه.....
۱.....	ویژگی‌های نظم‌نوین جهانی و تأثیر آن بر ایران.....
۲.....	ایران؛ مهد تمدن و فناوری.....
۳.....	پرواز در پهنه زمان؛ از گذشته تا آینده‌ای روشن.....
۳.....	ایران؛ الگویی جهانی در اقتصاد مقاوم و مشارکت مردمی.....
۴.....	رویکردهای اصلی در تولید علم.....
۴.....	سبک ایرانی؛ تلفیقی از معنویت و فناوری.....
۵.....	اهمیت آینده‌نگری در جامعه.....
۵.....	الگوهای غلط، بدون آینده‌ای روشن.....
۶.....	تصویر غلط از آینده در رسانه‌ها.....
۶.....	یک تجربه جذاب در مسجد.....
۷.....	تضعیف اتحادیه اروپا؛ واقعیتی انکارناپذیر.....
۸.....	وابستگی به نفت؛ مانعی بزرگ در مسیر توسعه.....
۹.....	تولید؛ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی.....
۹.....	تولید؛ فصل ممیز انسان و حیوان.....
۱۰.....	مکاتب اقتصادی مختلف و اقتصاد اسلامی.....
۱۰.....	نقش زنان در اقتصاد.....
۱۱.....	اقتصاد؛ فراتر از اعداد و ارقام.....
۱۲.....	مدیریت هزینه؛ کلید موفقیت اقتصادی.....
۱۲.....	مصرف؛ دیکتاتور پنهان اقتصاد.....
۱۳.....	زنان؛ تعیین‌کننده الگوی مصرف.....
۱۳.....	نقش زنان در خلق ارزش.....
۱۴.....	خلق ارزش؛ فراتر از تولید کالا.....
۱۴.....	اهمیت اصلاح الگوی مصرف.....
۱۵.....	تفاوت شغل و ارزش‌آفرینی.....
۱۵.....	فراغت؛ فضایی برای تفکر و برنامه‌ریزی.....



اقتصاد و بانوان

باسمه تعالی

مقدمه

با درود و احترام، قصد داریم در این بحث، به آینده ایران در پرتو تحولات نظم نوین جهانی بپردازیم. همان طور که مستحضرید، جهان در آستانه تحولات بنیادین قرار دارد و این تحولات قطعاً بر سرنوشت ایران نیز تأثیرگذار خواهند بود. پیش‌بینی آینده، به ویژه در عصر اطلاعات و پیچیدگی‌های کنونی، کاری دشوار است. با این حال، با اتکا به شناخت از روندهای جاری و تحلیل دقیق اوضاع، می‌توانیم به برخی سناریوها برای آینده ایران دست پیدا کنیم.

ویژگی‌های نظم نوین جهانی و تأثیر آن بر ایران

سؤال اصلی اینجاست که بیست سال دیگر، ایران در چه جایگاهی قرار خواهد داشت؟ آیا همچنان با چالش‌های کنونی دست و پنجه نرم خواهد کرد یا توانسته است بر آن‌ها فائق آمده و به جایگاه شایسته خود در جهان دست یابد؟ نظم نوین جهانی، ویژگی‌های متمایزی از نظم قبلی دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به ظهور چندقطبی‌گرایی، رقابت شدید قدرت‌ها، تحولات تکنولوژیک شتابان و تغییرات اقلیمی اشاره کرد.

به نظر می‌رسد، استمرار انقلاب اسلامی و پابندی به ارزش‌های آن، کلید اصلی موفقیت ایران در آینده است. با توجه به الگوی موفق مقاومت و ایستادگی ایران در برابر قدرت‌های بزرگ، می‌توان انتظار داشت که این کشور در آینده نیز به عنوان یک الگوی موفق در عرصه سیاسی، مورد توجه جهانی قرار گیرد و در آینده‌ای نه چندان دور، می‌توان ایران را به عنوان یکی از موفق‌ترین الگوهای سیاسی جهان تصور کرد. «الگویی که بر پایه مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی و استقلال استوار است». نکته قابل توجه این است که بسیاری از کشورها با شعار دموکراسی^۱، به مداخله در امور داخلی سایر کشورها می‌پردازند.

با تکیه بر الگوی حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه، ایران در آینده‌ای نزدیک به یکی از موفق‌ترین الگوهای سیاسی جهان تبدیل خواهد شد. تصور کنید در آینده‌ای نه چندان دور، وقتی از شما بخواهند الگویی برای حکومتداری معرفی کنید،

۱) Democracy: روشی برای سهم کردن همه شهروندان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی بزرگ و ابتدا در یونان باستان پدید آمد و منظور

از آن حکومت عامه مردم است، به تعبیری دیگر، حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در مورد امور همگانی جامعه می‌باشد.



اقتصاد و بانوان

نام ایران به عنوان یک الگوی موفق در کنار دموکراسی و سایر نظام‌های سیاسی مطرح شود. ایران با داشتن تاریخی غنی در زمینه علم، فرهنگ و ادبیات، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به قطب تربیت نیروی انسانی در جهان دارد. زبان فارسی، ادبیات غنی، اخلاقیات والا و فرهنگ پویای ایران، همه و همه عواملی هستند که این کشور را به مقصدی جذاب برای دانشجویان و محققان از سراسر جهان تبدیل خواهند کرد. تصور کنید در آینده‌ای نه چندان دور، دانشجویان و محققان برای فراگیری علوم مختلف و کسب تجربیات ارزشمند، به ایران سفر کنند. شهر کرمان با الهام از شخصیت سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی رحمته الله علیه، می‌تواند به دانشگاه مقاومت تبدیل شود. در این دانشگاه، دانشجویان از سراسر جهان می‌توانند با فرهنگ مقاومت، اقتصاد مقاومتی و اصول ولایت فقیه آشنا شوند. زیارت مزار حاج قاسم رحمته الله علیه و گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی، تجربه ارزشمندی برای این دانشجویان خواهد بود. با توجه به همه این عوامل، ایران در آینده به یکی از دو قطب اصلی مهاجرت در جهان تبدیل خواهد شد. افرادی که به دنبال کسب دانش، تجربه و ارتقای سطح فرهنگی خود هستند، ایران را به عنوان مقصد اصلی انتخاب خواهند کرد.

ایران؛ مهد تمدن و فناوری

اگر بخواهیم به آینده‌ای روشن برای ایران بیندیشیم، باید نگاهی به گذشته پربار و غنی این سرزمین بیندازیم. ایران مهد تمدن و فناوری است. هزاران سال پیش، ایرانیان با ابتکاراتی همچون قنات و بادگیر، سیستم‌های پیشرفته تهویه مطبوع را ابداع کردند. این دستاوردها نشان می‌دهد که ایران ظرفیت بالایی برای نوآوری و پیشرفت دارد. در آینده، ایران می‌تواند به قطب مهاجرت نخبگان جهانی تبدیل شود. بسیاری از دانشجویان و محققان برای فراگیری علوم مختلف، به ویژه علوم انسانی و علوم پایه، ایران را به عنوان مقصد تحصیلی خود انتخاب خواهند کرد؛ چرا که ایران با داشتن تمدنی کهن و فرهنگی غنی، می‌تواند به آن‌ها بینشی عمیق‌تر از زندگی و جهان هستی بدهد؛ درحالی‌که بسیاری از کشورها بر روی علوم فنی و مهندسی تمرکز می‌کنند، ایران می‌تواند با تمرکز بر علوم انسانی و پایه، جایگاه ویژه‌ای در جهان علم و دانش پیدا کند. زیرا پیشرفت در علوم فنی و مهندسی بدون داشتن زیرساخت‌های قوی در علوم انسانی و پایه امکان‌پذیر نیست. برای دستیابی به این هدف، باید به ریشه‌های خود بازگردیم و از دانش و تجربه گذشتگان بهره ببریم. با مطالعه تاریخ علم و فناوری در ایران، می‌توانیم به نوآوری‌های جدید دست پیدا کنیم و مشکلات موجود را حل کنیم.



اقتصاد و بانوان

توسعه فناوری‌های بومی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای پیشرفت کشور است. با تکیه بر دانش و توانایی‌های داخلی، می‌توانیم به جای وابستگی به فناوری‌های خارجی، فناوری‌های بومی خود را توسعه دهیم.

پرواز در پهنه زمان؛ از گذشته تا آینده‌ای روشن

فکر کردن، تنها به معنای اندیشیدن در مورد مسائل روزمره نیست. فکر کردن، به معنای سفر در زمان و مکان است. ما با فکر کردن می‌توانیم به گذشته سفر کنیم و از تجربیات گذشتگان بهره‌مند شویم و به آینده‌ای روشن‌تر دست پیدا کنیم. وقتی از پرواز صحبت می‌کنیم، معمولاً به سفر هوایی فکر می‌کنیم. اما پرواز واقعی، پرواز فکر است. با فکر کردن، می‌توانیم به دورترین نقاط جهان سفر کنیم و به اعماق تاریخ نفوذ کنیم. این سفر ذهنی، به ما امکان می‌دهد تا افق‌های دید خود را گسترش دهیم و به درک عمیق‌تری از جهان هستی برسیم.

زنان به عنوان مادران، نقش بسیار مهمی در تربیت نسل آینده دارند. آن‌ها باید به آینده فرزندان خود فکر کنند و برای آینده آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. وقتی در مورد آینده صحبت می‌کنیم، در واقع در مورد آینده فرزندان خود صحبت می‌کنیم. ما باید از الان برای آینده آن‌ها تلاش کنیم و آن‌ها را برای زندگی در دنیای پیچیده و پر رقابت آماده کنیم.

شاید این سوال برای برخی پیش بیاید که چرا باید به آینده فکر کنیم؟ مگر آینده مشخص نیست؟ در پاسخ باید گفت که آینده مشخص نیست، اما ما می‌توانیم با برنامه‌ریزی و تلاش، آینده‌ای بهتر برای خود و فرزندانمان رقم بزنیم. یکی از چالش‌های آینده‌نگری، وجود اطلاعات زیاد و گاهی متناقض در مورد آینده است. رسانه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها، هر کدام دیدگاه متفاوتی از آینده ارائه می‌دهند. اما ما باید با تحلیل دقیق این اطلاعات، به دیدگاه واقع‌بینانه‌ای از آینده دست پیدا کنیم.

ایران؛ الگوی جهانی در اقتصاد مقاوم و مشارکت مردمی

در بیست سال آینده، ایران به عنوان الگوی موفق در حوزه اقتصاد مقاوم شناخته خواهد شد. تحریم‌های ظالمانه علیه ایران، نه تنها نتوانستند اقتصاد کشور را فلج کنند، بلکه باعث تقویت روحیه خودباوری و نوآوری در بین مردم شدند. ایران با اتکا به توان داخلی و با استفاده از ظرفیت‌های موجود، توانست بر مشکلات اقتصادی غلبه کند و به خودکفایی در بسیاری از حوزه‌ها دست یابد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه ایرانی، مشارکت بالای مردم در امور مختلف است. در رویدادهای مختلف مانند



اقتصاد و بانوان

راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن، اربعین حسینی و... مردم با حضور پرشور خود نشان می‌دهند که برای ساختن آینده‌ای بهتر، آماده هرگونه فداکاری هستند. این مشارکت گسترده، باعث شده است تا ایران در حوزه اجتماعی نیز به یک الگوی موفق تبدیل شود. در آینده نزدیک، دانشگاه‌های ایرانی به عنوان قطب‌های آموزش اقتصاد مقاوم شناخته خواهند شد. در این دانشگاه‌ها، رشته‌های جدیدی با موضوع اقتصاد مقاوم ایجاد خواهد شد و دانشجویان با روش‌های نوین مدیریت اقتصاد در شرایط تحریم آشنا خواهند شد.

رویکردهای اصلی در تولید علم

به طور کلی، سه رویکرد اصلی برای تولید علم وجود دارد:

۱. **رویکرد سرمایه‌محور:** در این رویکرد، با سرمایه‌گذاری کلان در تحقیق و توسعه و جذب نخبگان، به دنبال پیشرفت در حوزه علم و فناوری هستند. این رویکرد بیشتر در کشورهای غربی رایج است.
۲. **رویکرد دولتی:** در این رویکرد، دولت با اعمال فشار بر دانشمندان و ایجاد محدودیت‌ها، آن‌ها را مجبور به تولید علم می‌کند. این رویکرد در برخی از کشورهای کمونیستی سابق دیده می‌شد.
۳. **رویکرد ایرانی:** رویکرد ایرانی ترکیبی از معنویت، اخلاق و فناوری است. در این رویکرد، دانشمندان با توجه به ارزش‌های اسلامی و انسانی، به تولید علم می‌پردازند. آن‌ها با تزکیه نفس و تقویت ایمان، به بینش و بصیرت بیشتری دست پیدا می‌کنند و می‌توانند راه حل‌های نوآورانه برای مشکلات پیچیده ارائه دهند.

سبک ایرانی؛ تلفیقی از معنویت و فناوری

شهادت‌های هسته‌ای و دفاع مقدس ما، نمونه‌های بارزی از دانشمندانی هستند که با اتکا به ایمان و توکل به خداوند تعالی، به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند. آن‌ها نشان دادند که با تلفیق علم و معنویت می‌توان به دستاوردهای شگفت‌انگیزی رسید. هر مادری، نقشی اساسی در شکل‌دهی آینده فرزندانش ایفا می‌کند. او با رویاپردازی و تصویرسازی از آینده‌ای روشن، به کودک خود انگیزه می‌دهد و مسیر موفقیت را برای او هموار می‌کند. اما این تنها محدود به فرزندان نمی‌شود؛ مادران با انتقال این تصاویر امیدبخش به سایر اعضای خانواده و جامعه، می‌توانند تأثیر شگرفی بر آینده جامعه بگذارند. یکی از راه‌های انتقال این تصاویر امیدبخش، استفاده از زبان هنر و ادبیات است. لالایی‌هایی که مادران برای



اقتصاد و بانوان

فرزندانشان می‌خوانند، می‌توانند حاوی پیام‌های امیدوارکننده و الهام‌بخش باشند. با این کار، مادران نه تنها به فرزندانشان آرامش می‌دهند، بلکه آینده‌ای روشن را برای آن‌ها تصویر می‌کنند. برای مثال، مادری می‌تواند در لالایی خود از آرمان‌های بزرگ و انسانی سخن بگوید و به فرزندش بیاموزد که روزی به نجات انسان‌ها بپردازد.

اهمیت آینده‌نگری در جامعه

آینده‌نگری، تنها به حوزه خانواده محدود نمی‌شود. هر فردی در جامعه، مسئولیت دارد تا به آینده فکر کند و برای آن برنامه‌ریزی کند. به ویژه در شرایط کنونی که با تحولات سریع و پیچیده‌ای روبرو هستیم، آینده‌نگری بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. آینده‌نگری، کار ساده‌ای نیست. پیش‌بینی آینده، با توجه به پیچیدگی مسائل و عوامل متعدد مؤثر، بسیار دشوار است. اما با وجود این دشواری‌ها، باید تلاش کنیم تا آینده‌ای روشن برای خود و جامعه‌مان ترسیم کنیم. دشمنان پیشرفت و توسعه کشور، از آینده‌نگری مردم هراس دارند. آن‌ها می‌دانند که اگر مردم به آینده امیدوار باشند و برای آن برنامه‌ریزی کنند، می‌توانند به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کنند. به همین دلیل، با تمام توان تلاش می‌کنند تا مردم را از آینده‌نگری باز دارند.

الگوهای غلط، بدون آینده‌ای روشن

در دنیای امروز، رسانه‌ها و صنعت سرگرمی نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی افکار و باورهای مردم، به ویژه نسل جوان، ایفا می‌کنند. اما آیا این الگوها همیشه مثبت و سازنده هستند؟ در ادامه به بررسی تأثیر الگوهای غلط ارائه شده در رسانه‌ها بر نسل جوان و اهمیت ارائه الگوهای صحیح پرداخته می‌شود.

فیلم‌ها، سریال‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و... اغلب الگوهایی را ارائه می‌دهند که بر اساس قدرت، خشونت، خودخواهی و مصرف‌گرایی بنا شده‌اند. شخصیت‌هایی مانند ابرقهرمانانی که با قدرت‌های فوق‌العاده خود مشکلات را حل می‌کنند، ممکن است در نگاه اول جذاب به نظر برسند، اما در واقع، پیام‌های مخربی را به مخاطبان خود منتقل می‌کنند.

اگر به الگوهای ارائه شده در فرهنگ غرب دقت کنیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از آن‌ها در تضاد با ارزش‌های انسانی و اسلامی هستند. برای مقابله با تأثیرگذاری الگوهای غلط، باید الگوهای صحیح و سازنده‌ای را به نسل جوان ارائه دهیم. این الگوها می‌توانند از زندگی بزرگان دین، دانشمندان، هنرمندان و ورزشکاران الهام بگیرند. با معرفی این الگوها، می‌توانیم به جوانان نشان دهیم که موفقیت واقعی در گرو تلاش، پشتکار و اخلاق‌مداری است.



اقتصاد و بانوان

تصویر غلط از آینده در رسانه‌ها

بسیاری از جوانان به دنبال یافتن معنایی برای زندگی خود هستند و می‌خواهند بدانند که آینده آن‌ها چگونه خواهد بود. این جستجو برای معنا، آن‌ها را به سمت آینده‌نگری سوق می‌دهد. با تصویرسازی از آینده، جوانان می‌توانند اهداف مشخصی برای خود تعیین کنند و با انگیزه بیشتری به سمت آن‌ها حرکت کنند.

متأسفانه، تصویر غالب از آینده در رسانه‌ها، اغلب مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و زندگی‌های اشرافی است. فیلم‌ها و سریال‌های علمی‌تخیلی، آینده را به عنوان جهانی پر از سفینه‌های فضایی، ربات‌ها و ابرقهرمانان به تصویر می‌کشند. در حالی که این تصویر، جذاب و هیجان‌انگیز است، اما واقعیت پیچیده‌تر از این‌هاست.

توسعه فناوری، بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده آینده است. اما نباید فراموش کنیم که فناوری به تنهایی نمی‌تواند مشکلات بشر را حل کند. آینده‌ای که ما می‌خواهیم، آینده‌ای است که در آن انسان‌ها به رشد و تعالی خود ادامه دهند و به همدیگر کمک کنند.

جوانان به عنوان نیروی محرک جامعه، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی آینده دارند. آن‌ها می‌توانند با ایده‌های نوآورانه و انرژی خود، به حل چالش‌های پیش رو کمک کنند. اما برای رسیدن به این هدف، نیازمند سازماندهی و هدایت هستند.

یک تجربه جذاب در مسجد

در یک جلسه اعتکاف، فرصتی پیش آمد تا با زبان ساده و قابل فهم، مفهوم اقتصاد مقاومتی را برای گروهی از نوجوانان تشریح کنم. با استفاده از مثال‌های روزمره و آشنا، سعی کردم این مفهوم پیچیده را برای آن‌ها ساده‌سازی کنم. برای شروع، به سراغ نفت رفتم. توضیح دادم که ارزش افزوده نفت تنها به فروش آن به صورت خام محدود نمی‌شود. بلکه با فرآوری نفت می‌توان محصولات متنوعی تولید کرد که ارزش بسیار بالاتری دارند. با استفاده از مثال‌هایی مانند لباس، موکت، صندلی و... نشان دادم که نفت در همه جای زندگی ما حضور دارد. در ادامه، به این نکته اشاره کردم که مهم‌ترین سرمایه هر کشور، انسان‌های آن هستند. با طرح این سوال که «آیا ارزش یک انسان بیشتر است یا یک بشکه نفت؟» نوجوانان به این نتیجه رسیدند که انسان با ایمان و امید، ارزشمندترین سرمایه است.



اقتصاد و بانوان

تضعیف اتحادیه اروپا؛ واقعیتی انکارناپذیر

آینده اروپا، به عنوان یکی از قطب‌های مهم جهان، موضوعی است که توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. تحولات اخیر در این قاره، از جمله تضعیف اتحادیه اروپا و افزایش تنش‌ها، آینده‌ای مبهم را برای آن ترسیم می‌کند. اتحادیه‌ای که زمانی به عنوان نماد اتحاد و همکاری در اروپا شناخته می‌شد، امروزه با چالش‌های جدی مواجه است. خروج بریتانیا از این اتحادیه، تنش‌های روسیه و اوکراین و بحران‌های داخلی برخی از کشورهای عضو، همه از عواملی هستند که به تضعیف اتحادیه اروپا کمک کرده‌اند.

با تضعیف اتحادیه اروپا، شاهد تغییر محور قدرت در اروپا هستیم. یکی از ابزارهای مهمی که در تغییر نگاه‌ها و جهت‌دهی افکار عمومی استفاده می‌شود، رسانه‌ها و به ویژه ورزش است. با تمرکز بر رویدادهای ورزشی مانند فوتبال و انتقال آن‌ها به کشورهای عربی، تلاش می‌شود تا توجه جهانی به این منطقه جلب شود.

در دنیای امروز، رقابت میان قدرت‌های جهانی شدت گرفته است. هند و چین به عنوان دو اقتصاد بزرگ نوظهور، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی آینده جهان ایفا می‌کنند. اما کدام یک از این دو کشور آینده روشن‌تری دارد؟

هند با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد نفر، یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان است. این کشور در سال‌های اخیر رشد اقتصادی قابل توجهی داشته است. تغییر نام کشور به «بهارات» نیز نشان از امیدواری این کشور به آینده‌ای روشن است. با این حال، هند با چالش‌هایی مانند فقر، نابرابری و زیرساخت‌های ضعیف نیز مواجه است.

چین با تولید انبوه کالاهای مختلف، به کارخانه جهان معروف شده است. نیروی کار ارزان و زیرساخت‌های گسترده، از جمله دلایل موفقیت اقتصادی چین هستند. با این حال، چین نیز با چالش‌هایی مانند آلودگی محیط زیست، پیری جمعیت و کاهش نرخ رشد اقتصادی مواجه است.

با فروپاشی نظم جهانی قدیم (شرق و غرب)، شاهد بی‌ثباتی و آشفتگی در بسیاری از مناطق جهان هستیم. در چنین شرایطی، کشورها نیازمند یک مسیر مشخص و پایدار هستند تا بتوانند در برابر تلاطم‌های جهانی ایستادگی کنند. مقام معظم رهبری علیه‌السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فرمودند:

«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌نپذیری و نفوذناپذیری



اقتصاد و بانوان

کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است.^۱

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، علاوه بر ترسیم چشم‌انداز آینده کشور، به آسیب‌شناسی دقیق اقتصاد ایران پرداخته است. در این بیانیه، رهبر معظم انقلاب «لَقَدْ عَلِمْتُمْ» با بیان نقاط ضعف اقتصاد کشور، راهکارهایی برای برون‌رفت از مشکلات و دستیابی به رشد پایدار ارائه داده‌اند.

وابستگی به نفت؛ مانعی بزرگ در مسیر توسعه

وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، سال‌هاست که به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی توسعه کشور شناخته می‌شود. این وابستگی، تبعات منفی بسیاری برای اقتصاد و جامعه ایران داشته است. در ادامه به بررسی عواقب این وابستگی و راهکارهای برون‌رفت از آن، به ویژه با تمرکز بر اقتصاد مقاومتی، می‌پردازیم. وابستگی شدید اقتصاد ایران به نفت، مشکلات عدیده‌ای را برای کشور به همراه داشته است. از جمله این مشکلات می‌توان به این موارد اشاره کرد: «توسعه ناهمگون، بیکاری و فقر، ضعف زیرساخت‌ها و آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها».

برای رهایی از چالش‌های ناشی از وابستگی به نفت، مقام معظم رهبری «لَقَدْ عَلِمْتُمْ» اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان راهکاری اساسی مطرح کرده‌اند. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که بتواند در برابر فشارها و تحریم‌های خارجی مقاومت کند و بر پایه توان داخلی و دانش‌بنیان باشد و برای تحقق اقتصاد مقاومتی، اقداماتی از جمله توسعه تولید داخلی، دانش‌بنیان شدن اقتصاد، کاهش تصدی‌گری دولت و توسعه صادرات غیرنفتی ضروری است.

۱. بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه سوم، اقتصاد.



اقتصاد و بانوان

تولید؛ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری دامت برکات بارها بر اهمیت تولید به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تأکید کرده اند. ایشان به درستی بیان می دارند که وابستگی صرف به منابع خارجی و انتظار برای رفع مشکلات تنها با رفع تحریم ها، یک خطای استراتژیک است. برای تحقق توسعه پایدار و عبور از موانع اقتصادی، باید به ظرفیت های داخلی و تولید ملی تکیه کنیم.

شهید مطهری رحمته، اندیشمند بزرگ انقلاب اسلامی، در این زمینه نکته بسیار ظریفی را بیان می کند: تولید، مهم ترین وجه تمایز انسان از سایر موجودات زنده است. گیاهان برای رشد به آب و نور خورشید نیاز دارند، حیوانات نیز برای تأمین غذا به دنبال منابع غذایی می گردند؛ اما انسان علاوه بر تأمین نیازهای خود، به تولید و خلق ارزش می پردازد. او مواد اولیه را پردازش می کند، به آن ها شکل می دهد و ارزش افزوده ایجاد می کند. این توانایی تولید، انسان را از سایر موجودات متمایز کرده و به او امکان داده است تمدن ها و جوامع پیچیده را ایجاد کند.

تولید؛ فصل ممیز انسان و حیوان

انسان را چه چیزی از سایر موجودات زنده متمایز می کند؟ پاسخ این پرسش در توانایی او برای تولید نهفته است. تولید، تنها به معنای تولید کالا نیست؛ بلکه شامل خلق ارزش، نوآوری و توسعه نیز می شود.

شهید مطهری رحمته به درستی اشاره می کنند که تولید، فصل ممیز انسان و حیوان است. حیوانات صرفاً به دنبال تأمین نیازهای اولیه خود هستند، در حالی که انسان با تولید، به خلق ارزش و بهبود کیفیت زندگی خود و دیگران می پردازد. تولید، انسان را از مرحله مصرف کننده صرف به مرحله خالق و آفریننده ارتقا می دهد.

تولید، تنها به معنای تولید کالا نیست. تولید می تواند شامل تولید خدمات، ایده ها، هنر و هر نوع ارزش افزوده ای باشد. مهم ترین نکته در تولید، ایجاد ارزش بیشتر از آنچه مصرف می شود است. به عبارت دیگر، تولید باید بزرگ تر از مصرف باشد. حتی اگر این تفاوت بسیار اندک باشد، نشان دهنده رشد و توسعه است.

کار، روح تولید است. همان طور که یک جسم بدون روح بی جان است، تولید بدون کار نیز بی معنا است. کار، به تولید جان بخشیده و آن را به یک موجود زنده تبدیل می کند. کار، به تولید هویت می بخشد و مالکیت آن را به تولیدکننده منتسب می کند. در نگاه غرب، کار ابزاری برای تولید است؛ به عبارت دیگر، سرمایه و نیروی کار دو عامل اصلی تولید



اقتصاد و بانوان

هستند و کار تنها به عنوان یک ابزار برای کسب درآمد در نظر گرفته می‌شود. اما در نگاه اسلامی، کار روح تولید است و انسان با کار، به کمال می‌رسد.

مکاتب اقتصادی مختلف و اقتصاد اسلامی

در دنیای امروز، مکاتب اقتصادی متنوعی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته اصلی غربی و شرقی تقسیم کرد. هر یک از این مکاتب، بر اساس باورها و ارزش‌های فرهنگی خود، رویکرد خاصی به اقتصاد دارند. اقتصاد اسلامی نیز به عنوان یک مکتب اقتصادی مستقل، با تأکید بر عدالت، آزادی و کرامت انسانی، جایگاه ویژه‌ای در میان این مکاتب دارد. اقتصاد اسلامی بر چهار محور اصلی استوار است:

- جهاد اقتصادی
- عزت اقتصادی
- عدالت اقتصادی
- پیشرفت اقتصادی

از مهم‌ترین اصول اقتصاد اسلامی، عدالت اقتصادی است. عدالت به معنای توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها در جامعه است. در اقتصاد اسلامی، عدالت نه تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه یک اصل اقتصادی نیز محسوب می‌شود.

نقش زنان در اقتصاد

نقش زنان در اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. بسیاری از زنان در سطوح بالای مدیریت و رهبری در شرکت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی فعالیت می‌کنند. برای مثال، خانم هیلاری کلینتون^۱ و خانم میشل اوباما^۲ به عنوان نمادهای موفقیت زنان در عرصه سیاست شناخته می‌شوند.

(۱) Hillary Rodham Clinton: زاده ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷، سیاستمدار و دیپلمات آمریکایی است که نامزد حزب دموکرات برای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ بوده است که در مقابل رقیب جمهوری خواه خود؛ دونالد ترامپ شکست خورد. او نخستین نامزد زنی است که توانسته به چنین جایگاهی در یکی از احزاب اصلی آمریکا برسد.

(۲) Michelle LaVaughn Robinson Obama: زاده ۱۷ ژانویه ۱۹۶۴، دانش آموز خسته دانشگاه پرینستون و دارای دکترای حقوق از دانشگاه هاروارد، وکیل و نویسنده آمریکایی است که به مدت هشت سال بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷، بانوی اول ایالات متحده آمریکا بود.



اقتصاد و بانوان

در بسیاری از آمارهای اقتصادی، زنان خانه‌دار به‌عنوان «جمعیت غیرفعال اقتصادی» طبقه‌بندی می‌شوند. این در حالی است که این زنان با انجام وظایف پرورشی و خانه‌داری، سهم بسیار مهمی در اقتصاد خانواده و جامعه دارند. تصور کنید یک مادر، فرزند خود را از کودکی تا بزرگسالی پرورش می‌دهد، از او مراقبت می‌کند و او را برای ورود به جامعه آماده می‌کند. این کار، یک فعالیت اقتصادی تمام‌عیار است که ارزش اقتصادی بالایی دارد. با این حال، در آمارهای رسمی، این فعالیت‌ها دیده نمی‌شوند و زنان خانه‌دار به‌عنوان افرادی غیرفعال تلقی می‌شوند. این رویکرد، نه تنها به زنان خانه‌دار ظلم می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا تصویر ناقصی از مشارکت اقتصادی زنان در جامعه ارائه شود. در واقع، بسیاری از زنان خانه‌دار، پتانسیل بالایی برای فعالیت در بازار کار دارند، اما به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از این فرصت محروم می‌شوند.

اقتصاد؛ فراتر از اعداد و ارقام

خیلی از ما اقتصاد را با حسابداری اشتباه می‌گیریم. هر دو به پول و درآمد مربوط می‌شوند، اما تفاوت‌های اساسی دارند. حسابداری به ثبت و اندازه‌گیری درآمدها و هزینه‌های مالی می‌پردازد؛ یعنی به سادگی می‌گوید چقدر پول داریم و چقدر خرج کرده‌ایم. اما اقتصاد، فراتر از اینهاست. اقتصاد، علم مطالعه چگونگی تخصیص منابع محدود برای رفع نیازهای نامحدود است. به عبارت ساده‌تر، اقتصاد به ما می‌آموزد که چگونه بهترین تصمیمات را در زندگی بگیریم، وقتی که منابع محدودی در اختیار داریم.

یکی از مفاهیم کلیدی در اقتصاد، هزینه فرصت است. هزینه فرصت به این معنی است که وقتی یک گزینه را انتخاب می‌کنیم، از گزینه‌های دیگر می‌گذریم. مثلاً وقتی تصمیم می‌گیریم به یک همایش برویم، در واقع از وقت گذراندن با خانواده یا انجام کارهای دیگر دست می‌کشیم. این فرصت‌های از دست رفته، هزینه واقعی تصمیم ما هستند. اقتصاد به ما کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری بگیریم؛ منابع را بهینه کنیم؛ مشکلات اقتصادی را بهتر درک کنیم.



اقتصاد و بانوان

تفاوت اقتصاد و حسابداری در یک نگاه:

ویژگی	حسابداری	اقتصاد
تمرکز	ثبت و اندازه گیری درآمدها و هزینه ها	مطالعه چگونگی تخصیص منابع محدود
هدف	ارائه اطلاعات مالی دقیق	کمک به تصمیم گیری های بهتر
مفاهیم کلیدی	درآمد، هزینه، سود، زیان	هزینه فرصت، عرضه و تقاضا، تعادل بازار

مدیریت هزینه؛ کلید موفقیت اقتصادی

یکی از مهم ترین مفاهیم در اقتصاد، مدیریت هزینه ها است. وقتی هزینه های خود را مدیریت می کنیم، در واقع در حال سرمایه گذاری روی آینده خود هستیم. با کاهش هزینه های غیر ضروری، می توانیم منابع بیشتری را برای سرمایه گذاری، پس انداز یا انجام کارهای مورد علاقه خود اختصاص دهیم. در نتیجه، اقتصاد صرفاً علم اعداد و ارقام نیست؛ بلکه علمی است که به ما کمک می کند تا زندگی بهتری داشته باشیم. با درک اصول اقتصادی، می توانیم تصمیمات بهتری بگیریم و آینده خود را شکل دهیم.

مصرف؛ دیکتاتور پنهان اقتصاد

همه ما می دانیم که تولید اهمیت زیادی دارد. اما چه چیزی تعیین می کند که چه چیزی، چقدر و چه زمانی تولید شود؟ پاسخ ساده است: مصرف. وقتی ما تصمیم می گیریم چه چیزی بخریم، در واقع به تولیدکنندگان می گوئیم که چه محصولاتی را تولید کنند. در دنیای امروز، به خصوص در جوامع غربی، الگوهای مصرف به شدت تحت تأثیر رسانه ها قرار دارد. تبلیغات، فیلم ها، سریال ها و مد، همه و همه تلاش می کنند تا به ما بگویند که چه چیزی را باید بخریم و چگونه زندگی کنیم. این تأثیرگذاری، گاه آنقدر قوی است که به نوعی دیکته کردن به مصرف کننده تبدیل می شود.

چرا رسانه ها تا این حد به الگوهای مصرف ما اهمیت می دهند؟ پاسخ ساده است: پول! صنایع بزرگ با تولید انبوه کالاها، به دنبال بازارهای بزرگتری هستند. برای رسیدن به این هدف، آن ها باید ما را ترغیب کنند تا محصولاتشان را بخریم. حتی اگر به این محصولات نیازی نداشته باشیم. یک نگاه دقیق تر به این موضوع نشان می دهد که الگوهای مصرف تحمیلی، نه تنها به نفع تولیدکنندگان است، بلکه به نوعی کنترل بر زندگی افراد نیز محسوب می شود. وقتی ما



اقتصاد و بانوان

به جای اینکه بر اساس نیازهای واقعی خود تصمیم بگیریم، بر اساس تبلیغات و مد مصرف کنیم، در واقع داریم آزادی انتخاب خود را محدود می‌کنیم.

زنان؛ تعیین‌کننده الگوی مصرف

در بحث اقتصاد، دو واژه کلیدی «تولید» و «مصرف» همواره در کنار هم مطرح می‌شوند. اگر تولید را ستون فقرات اقتصاد بدانیم، مصرف همان راهبری است که مسیر تولید را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه ما مصرف می‌کنیم، تعیین می‌کند که چه چیزی و به چه مقدار تولید شود. در این میان، زنان نقش بسیار مهمی در تعیین الگوهای مصرف ایفا می‌کنند. به تعبیر علامه طباطبائی رحمته‌الله، عرصه بهره‌مندی و استفاده در جامعه بیشتر به زنان مربوط می‌شود. زنان هستند که به طور معمول تصمیم‌گیری‌های اصلی در مورد خریدهای خانوار را بر عهده دارند. آن‌ها هستند که تعیین می‌کنند چه کالا یا خدماتی وارد خانه شود.

در بحث اقتصاد، اغلب بر روی کار، شغل و درآمد تمرکز می‌کنیم. اما آیا همه ارزش‌آفرینی‌ها به شکل شغل و درآمد قابل اندازه‌گیری هستند؟ پاسخ قطعاً منفی است. همه انسان‌ها توانایی خلق ارزش دارند، صرف نظر از جنسیت یا موقعیت اجتماعی. این ارزش‌آفرینی می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز کند، از جمله: «کارهای تولیدی، کارهای خدماتی، کارهای هنری و کارهای خانگی».

نقش زنان در خلق ارزش

زنان به عنوان نیمی از جمعیت، نقش بسیار مهمی در خلق ارزش دارند. کارهای خانگی، پرستاری و تربیت فرزندان، همگی نمونه‌هایی از ارزش‌آفرینی هستند که به طور سنتی توسط زنان انجام می‌شود. این کارها، اگرچه ممکن است به صورت مستقیم درآمدزا نباشند، اما ارزش بسیار بالایی برای جامعه دارند. تفاوت کار، شغل و کاسبی

- **کار:** هر فعالیتی که منجر به خلق ارزش شود، کار محسوب می‌شود.
- **شغل:** نوعی کار است که در ازای آن دستمزد دریافت می‌شود.
- **کاسبی:** فعالیتی است که هدف اصلی آن کسب درآمد است.



اقتصاد و بانوان

خلق ارزش؛ فراتر از تولید کالا

وقتی از خلق ارزش صحبت می‌کنیم، معمولاً به تولید کالاها و خدمات فکر می‌کنیم. ساختن یک کیف، تولید یک خودرو، یا ارائه یک خدمت همه مثال‌هایی از خلق ارزش هستند. اما آیا این تنها راه برای خلق ارزش است؟ قطعاً نه. شهید مطهری ^{رحمه‌الله} جمله زیبایی دارند: «در میان آنچه قابلیت ساخته شدن دارد، انسان از همه ساختنی‌تر است.» این جمله به ما یادآور می‌شود که ارزشمندترین چیزی که می‌توانیم خلق کنیم، انسان است. پرورش یک انسان، سرمایه‌گذاری بر روی آینده است. برای درک بهتر این موضوع، می‌توانیم ارزش انسان را با ارزش طلا مقایسه کنیم. طلا از دل کوه استخراج می‌شود و با فرآیندهای مختلف به شکل‌های مختلف درمی‌آید. اما ارزش طلا به طور قابل توجهی کمتر از ارزش انسانی است. انسان‌ها قابلیت رشد، یادگیری و خلق ارزش‌های جدید را دارند.

تربیت و پرورش انسان، بالاترین نوع ارزش‌آفرینی است. وقتی یک مادر فرزند خود را تربیت می‌کند، در واقع در حال ساختن آینده‌ای بهتر برای جامعه است. این کار بسیار ارزشمندتر از تولید هر کالایی است. اگر زنان را از نقش اصلی خود در تربیت فرزندان دور کنیم و آن‌ها را مجبور کنیم که تمام وقت خود را صرف کارهای بیرون از خانه کنند، به جامعه آسیب خواهیم زد. این کار باعث کاهش کیفیت تربیت فرزندان، افزایش مشکلات اجتماعی و در نهایت ضعیف شدن جامعه خواهد شد.

اهمیت اصلاح الگوی مصرف

در بحث اقتصاد، تنها ایجاد درآمد مهم نیست؛ بلکه اصلاح الگوی مصرف نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. زمانی که الگوی مصرف به سمت کالاها و خدمات با کیفیت‌تر و پایدارتر تغییر کند، تولید نیز در همین راستا حرکت خواهد کرد و اقتصاد به سمت تعادل و پایداری بیشتری پیش خواهد رفت.

البته، بسیاری از زنان به دلایل مختلفی مجبور به کار کردن هستند. این سوال مهمی است که چرا بسیاری از زنان باید برای تأمین نیازهای خود و خانواده به بازار کار وارد شوند؟ پاسخ این سوال، نیازمند بررسی عمیق شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. دولت‌ها باید به این پرسش پاسخ دهند و شرایطی را فراهم کنند که زنان به صورت اختیاری و نه به اجبار به بازار کار وارد شوند.



اقتصاد و بانوان

تفاوت شغل و ارزش آفرینی

شغل، تنها یک بخش از زندگی است و همه ارزش‌های انسانی را شامل نمی‌شود. بسیاری از کارهایی که زنان انجام می‌دهند، مانند تربیت فرزندان، نگهداری از خانواده و ایجاد روابط اجتماعی، ارزش آفرینی بسیار بالایی دارند، اما ممکن است به صورت مستقیم درآمدزا نباشند. زنان توانایی انجام هر کاری را دارند. آن‌ها می‌توانند در هر شغلی، از آتش‌نشانی تا رانندگی کامیون، موفق باشند. اما آنچه مهم است، این است که زنان باید بتوانند در انتخاب شغل و نوع زندگی خود آزاد باشند. با وجود کاهش نرخ بیکاری در کشور، اما نرخ بیکاری زنان به ویژه در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، کاهش قابل توجهی داشته است. این نشان می‌دهد که بسیاری از زنان به بازار کار وارد شده‌اند، اما سوال اینجاست که این زنان در چه مشاغلی مشغول به کار شده‌اند؟ آیا این مشاغل با توانایی‌ها و علایق آن‌ها همخوانی دارد؟

فراغت؛ فضایی برای تفکر و برنامه‌ریزی

در دنیای پر مشغله امروز، همه در مورد کار حرف می‌زنند. اما کمتر کسی به موضوع مهمی به نام «فراغت» می‌پردازد. فراغت، زمانی است که از مشغله‌های روزمره فاصله می‌گیریم و به خودمان فرصت می‌دهیم تا تفکر کنیم، برنامه‌ریزی کنیم و انرژی بگیریم. متأسفانه، در بسیاری از جوامع، به ویژه جوامع غربی، الگوهای فراغت توسط دیگران تعیین می‌شود. صنعت سرگرمی با تولید فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و برنامه‌های تلویزیونی، به دنبال پر کردن اوقات فراغت ماست. اما آیا این نوع فراغت، واقعاً به رشد و توسعه ما کمک می‌کند؟ فراغت باید فضایی برای رشد شخصی و معنوی باشد. زمانی که به دور از شلوغی شهر و مشغله‌های روزمره هستیم، می‌توانیم به درون خود سفر کنیم، به سوالاتمان پاسخ دهیم و به اهدافمان نزدیک‌تر شویم.

خانه، تنها جایی نیست که در آن استراحت می‌کنیم، بلکه مهم‌ترین کانون تولید و تربیت است. در خانه است که انسان‌ها شکل می‌گیرند و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را فرا می‌گیرند. تربیت فرزندان، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین است و این کار در خانه انجام می‌شود. در نگاه غربی، خانواده تنها به عنوان یک واحد مصرف‌کننده دیده می‌شود. هدف اصلی، تربیت نیروی کار برای صنایع است. به عبارت دیگر، خانواده‌ها باید فرزندان‌شان را طوری تربیت کنند که به راحتی در چرخه تولید و مصرف جای بگیرند.



مقام معظم رهبری دام ظلّه:

«اشتغال بانوان از جمله‌ی چیزهائی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ ... منتها دوسه تا اصل را باید ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را که کارِ خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است، تحت الشعاع قرار ندهد...»

(بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی؛ ۱۴/۱۰/۱۳۹۰)

اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. به همین دلیل است که در بسیاری از آمارهای اقتصادی غربی، زنان خانه‌دار به‌عنوان «جمعیت غیرفعال اقتصادی» طبقه‌بندی می‌شوند! این در حالی است که زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، نقش بسیار مهمی در خلق ارزش دارند. کارهای خانگی، پرستاری و تربیت فرزندان، همگی نمونه‌هایی از ارزش‌آفرینی هستند که به‌طور سنتی توسط زنان انجام می‌شود. این کارها، اگرچه ممکن است به‌صورت مستقیم درآمدزا نباشند، اما ارزش بسیار بالایی برای خانواده و جامعه دارند ...